معنی مردم سالاری دینی چیست؟چرا در سالهای اخیر از این واژه بیشتر استفاده میشود؟

به منظور پاسخ گویی به این سوال ابتدا لازم است درباره واژه دموکراسی که ارتباطی تنگاتنگ با مفهوم مردمسالاری پیدا می کند توضیح داده و نسبت آن را با آموزه های دینی مورد بررسی قرار دهیم تا بهتر بتوانیم معنا و جایگاه مردمسالاری دینی را درک نماییم. دموکراسی که رایج ترین اصطلاح در علم سیاست است دو کلمه یونانی Demos به معنای مردم و Kratos به معنای قدرت و حکومت آمده و ترکیب آن دو "حکومت مردم" معنی میدهد.۱

این واژه که ابتدائاً در دولت - شهرهای یونان کهن پدید آمد به معنای حقّ اتخاذ تصمیم همگان دربارهٔ مسایل مورد علاقهٔ عمومی و یا به عبارتی به معنای حکومت مردم بر مردم میباشد و معیارها و ویژگیهای آن به طور خلاصه از این قرارند:

الف.مردم با انتخاب خود، نمایندگانی را برای تصمیم گیریهای کلان انتخاب کنند، این انتخابات باید آزاد باشد یعنی هر شهروندی حقّ رأی دادن داشته باشد و رأی دهنده از طریق مخفی بودن رأی در مقابل ارعاب محافظت می شود ضمن اینکه منتخب او باید آزادانه بیانش را مطرح کند.

ب.چنین انتخاباتی گزینش مؤثر را امکانپذیر کند یعنی گزینش انتخاب کنندگان فقط محدود به یک حزب نباشد و باید اکثریت آراء در مقابل دولت صاحب قدرت منجر به تغییر شود.

ج.سومین ویژگی آن است که اکثریت برگزیدهٔ نمایندگان، حق قانونگذاری، حقّ رأی برای مالیاتها و مهار بودجه و استیضاح علنی و بحث و انتقاد و مخالفت با اقدامات حکومت را بدون آن که مشمول تهدید به مداخله یا بازداشت شود را داشته باشد.۲

این کلمات خلاصه ای بود از معنای دموکراسی که عمدتا غربی ها آن را مطرح کرده اند .امّا اینکه آیا دموکراسی در اسلام هست یا خیر؟ توجه شما را به نظریات دو اندیشمند اسلامی جلب می کنیم:

شهید مطهری (ره) در این مورد می گوید: در اسلام ...آزادی فردی و دموکراسی وجود دارد، منتها با تفاوتی که میان بینش اسلامی و بینش غربی وجود دارد...در نقطهٔ مقابل دموکراسی و آزادی "مدل غربیها"، دموکراسی اسلامی قرار دارد.دموکراسی اسلامی بر اساس آزادی انسان است امّا این آزادی انسان در آزادی شهوات خلاصه نمی شود.از دیدگاه اسلام، آزادی و دموکراسی بر اساس آن چیزی است که تکامل انسانی انسان ایجاب می کند، یعنی آزادی حق انسان بما هو انسان

اســـت...دموکراســـی در اســـلام یعنـــی انســـانیت رهـــا شـــده، حـــال آن کـــه ایـــن واژه در قـــاموس غـــرب معنـــای حیوانیت رها شده را متضمّن است.۳

همـــین طـــور آیـــت الله مصـــباح یـــزدی در ایـــن مـــورد معتقـــد اســـت کـــه: دموکراســـی جدیـــد در غـــرب هنگـــامی شـــروع شـــد کـــه متـــدینین غربـــی متوجـــه شـــدند کـــه آیـــین مســـیحیت کـــارایی و قابلیـــت ایـــن را نـــدارد کـــه در تمـــام جنبـــه هـــای زنـــدگی انســـان بـــه ویـــژه زنـــدگی اجتمـــاعی نقـــش داشـــته باشـــد و قانونگـــذاری نمایـــد.از ایـــن رو گفتـــه انـــد حـــوزهٔ کـــاربرد دیـــن و حکمرانـــی خـــدا محـــدود بـــه زنـــدگی انســـان و چگـــونگی رابطـــهٔ او بـــا خـــدا باشـــد یعنـــی دیـــن فقـــط بایـــد احکـــام را بگویـــد و دیگـــر ربطـــی بـــه آن نـــدارد کـــه در حـــوزهٔ سیاســـت و حکومـــت دخالـــت کنـــد و...حـــال آیـــا اســـلام هـــم ماننـــد مســـیحیت تحریـــف شـــده اســـت کـــه نتوانـــد دربـــاره مســـائل اجتمـــاعی و حکـــومتی و بـــین المللـــی نظـــر دهـــد و حکـــم کنـــد؟ ...آیـــا اســـلام بـــه مـــا اجـــازه مـــی دهـــد فقـــط در مســـائل نمـــاز، روزه، زکـــات و ماننـــد اینهـــا بـــه ســـراغ خـــدا بـــرویم، امّـــا در مســـئله حکومـــت و سیاســـت معیـــار مشـــروعیّت قـــانون را رأی مـــردم بـــدانیم...امّـــا اگـــر منظـــور از دموکراســـی ایـــن باشـــد کـــه مـــردم در چـــارچوب احکـــام الهـــی و قـــوانین شـــرعی در سرنوشـــت خـــود مـــؤثر باشـــند، چنـــین تعبیـــری بـــا دیـــن مخالفـــت نـــدارد.۴ در یـــک کـــلام بایـــد گفـــت کـــه اگـــر دموکراســـی را بـــه معنـــای ارج نهـــادن بـــه رأی مـــردم در چـــارچوب ارزشـــها و اصـــول پذیرفتـــه شـــده، تفســـیر کنـــیم مـــی تـــوان از ســـازگاری حکومـــت دینـــی بـــا دموکراســـی ســـخن بگـــوئیم.بـــر ایـــن اســـاس، در جامعـــهٔ اســـلامی رأی اکثریـــت تـــا آن جـــا محتـــرم و نافـــذ اســـت کـــه بـــا اصـــول و مبـــانی دینـــی ســـازگاری داشـــته باشـــد کـــه بـــه چنـــین شـــیوه حکـــومتی «مردمســـالاری دینـــی» مـــی گوینـــد .بـــه عبـــارتی مردمسالاری دینی عبارت است از :«مشارکت مردم در سرنوشت خود در راستای فرامین الهی.»

در پاســـخ بـــه اینکـــه چـــرا در ســـال هـــای اخیـــر واژه مردمســـالاری دینـــی بیشـــتر بـــه کـــار مـــی رود لازم اســـت بگـــوییم کـــه اولاً ایـــن موضـــوع در دوران بعـــد از انقـــلاب اســـلامی بـــه طـــور جـــدّی مـــورد نظـــر قـــرار داشـــته اســـت و هـــدف اصـــلی انقـــلاب اســـلامی نیـــز حاکمیـــت مردمســـالاری دینـــی بـــوده اســـت کـــه نمـــود آن اســـتقرار نظـــام جمهـــوری اســـلامی بـــوده اســـت .بنـــابر ایـــن اگـــر دیـــده مـــی شـــود کـــه ایـــن موضـــوعات اکنـــون نمایـــان تـــر شـــده اســـت و مـــورد بحـــث قـــرار مـــی گیـــرد، دلیـــل بـــر ایـــن نمـــی شـــود کـــه در قبـــل وجـــود نداشـــته و یـــا موجـــب تمـــایز و فـــرق بـــین دهـــه هـــای بعـــدی انقـــلاب شـــده اســـت؛ زیـــرا ایـــن تعـــابیر مـــورد تأییـــد و تأکیـــد امـــام امـــت (ره) بـــوده و ایشـــان قاطعانـــه خواهـــان اجـــرای ایـــن مســـائل بـــوده انـــد.بـــه عنـــوان مثـــال بایـــد یـــادآوری نمـــاییم بعـــد از ســـقوط حکومـــت پهلـــوی، وقتـــی از امـــام خمینـــی ســـؤال شـــد نـــوع حکومـــت شـــما چیســـت، فرمودنـــد:جمهـــوری اســـلامی، نـــه یـــک کلمـــه بیشـــتر و نـــه یـــک کلمـــه کمتـــر.بـــا ایـــن توضـــیح بایـــد گفـــت کـــه منظـــور ایشـــان از کلمـــهٔ

جمهوری اسلامی، حکومت مردمی اسلامی است که در واقع به معنای مردمسالاری در چارچوب مسایل شرعی و اسلامی می باشد .

امام امت در معنای جمهوری اسلامی می فرمایند:...اینکه ما جمهوری اسلامی می گوئیم، این است که هم شرائط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری میشود، اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست.در جایی دیگر شهید مطهری در این مورد می گوید:"کلمهٔ جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می کند و کلمهٔ اسلامی، محتوای آن را .جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن انتخاب رئیس حکومت از سوی عامّه است برای مدت موقت و محتوای آن، اسلامی است." پس مشخص شد که این واژه ها از مسائل اساسی در جمهوری اسلامی میباشد، ولی اینکه اکنون مورد بحث بیشتر قرار گرفته است به خاطر فضای ایجاد شده طی سالیان اخیر است.زیرا به اعتقاد ما سالهای بعد از انقلاب را میشود به سه دسته تقسیم کرد:

۱. از سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، که کشور دچار التهاب جنگ و ترور و بازسازی اولیه طرح حکومت جمهوری اسلامی بود؛
۲. از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ که کشور گرفتار مسائل بعد از جنگ، بازسازی و مقابله با فشارهای خارجی بود؛
۳. از سالهای ۱۳۷۶ تا امروز که التهابات اولیه تا حدود زیادی فروکش کرد و پایه های جمهوری اسلامی مستحکم شد.وقتی که پایه ها مستحکم شد اکنون موقع ساختن بنای رفیع جمهوری اسلامی و حکومت الهی و علوی بود.

لذا مباحثی از قبیل مردمسالاری دینی، جامعهٔ مدنی اسلامی و...شکل گرفت.به عبارت دیگر، باید گفت که این مسائل در بطن انقلاب ما و جمهوری اسلامی وجود داشت و به صورت بالقوه در درون آن نهفته بود ولی در سالهای اخیر فعلیّت آن عیان تر شده است .غیر از این وجود مجلسی کارآمد با رأی مردم، انتخاب رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم، انتخاب رهبر با رأی غیرمستقیم مردم و....از ابتدای انقلاب تاکنون نمونه ای بارز از وجود مؤلّفه هایی مانند مردمسالاری دینی و دموکراسی اسلامی در کشور ایران می باشد.

پاورقی ها:

۱. فرهنگ جدید سیاسی، نوشتهٔ محمود مهرداد، چ انتشارات هفته، ص ۵۸.

۲. فرهنگ اندیشه نو، نوشته اولیور استلی برس و آلن بولک، ترجمهٔ گروه مترجمان، چ مازیار، ص ۳۷۶.

۳. پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۹۹ الی ۱۰۴.

۴. پرسش ها و پاسخ ها، آیت الله مصباح، انتشارات موسسه امام خمینی، از ص ۳۷ الی ۴۱

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه